



در خصوص اولین روزنامه حقوقی کشور

مدیرمسئول: دکتر منصور موفتری
وکیل پایه یک دادگستری

توسعه همه‌جانبه کشور و برنامه‌ریزی در این خصوص مبتنی بر توسعه حقوقی است. بدون نظام حقوقی توسعه یافته نمی‌توان آمیدی به اجرای برنامه‌های توسعه‌ای اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره داشت.

اگر نیم‌نگاهی به مفاسد و تخلفات رخ داده در حوزه‌های مختلف بیندازیم این ادعا، که نظام حقوقی توسعه یافته نداریم را ثابت خواهد نمود. خصوصی‌سازی، ایجاد شورای اسلامی شهر و روستا، واگذاری برخی صلاحیت‌ها به اصناف و غیره از برنامه‌هایی است که در صورت وجود نظام حقوقی توسعه یافته به توسعه و پیشرفت جامعه کمک خواهد نمود. و از دیگر معضلاتی که دامنگیر مردم شده وجود اختلافات ناشی از روابط با یکدیگر است. وجود پرونده‌های قضایی نشان‌دهنده این معضل است. ورودی پرونده به قوه قضائیه علاوه بر اینکه مانع توسعه می‌شود دارای بار مالی نیز خواهد بود.

اینجانب با سابقه ۳۵ ساله مطبوعاتی که حدود ۲۵ سال آن را به عنوان مدیرمسئول روزنامه آفتاب یزد در خدمت جامعه رسانه‌ای و مردم شریف بوم و با تحصیلات حقوقی و حضور در بین مردم به عنوان وکیل پایه یک دادگستری و با کسب تجربه به عنوان سردبیر نشریه حقوقی حامی عدالت که یکشنبه گذشته دویست و نود و هفتمین شماره آن را تقدیم نمودیم و همچنین هفته‌نامه آفتاب حقوقی، خلاء روزنامه حقوقی را احساس نموده و دیروز در همان روزی که مجوز روزنامه از سوی هیأت محترم نظارت بر مطبوعات صادر گردید اولین شماره آفتاب حقوقی را تقدیم شما مردم عزیز نمودیم. روزنامه آفتاب حقوقی محل تبادل افکار فرهیختگان و حقوقدانان کشور فارغ از هرگونه تفکر خواهد بود. تا انشاءالله بتوانیم در حد بضاعت به توسعه حقوقی کشور کمک کرده باشیم. از جامعه فرهیخته حقوق می‌خواهیم در این رسالت ما را یاری نمایند.

اولین روزنامه حقوقی کشور

آفتاب حقوقی

قیمت: ۵/۰۰۰ تومان

چهارشنبه ۱۰ تیرماه ۱۴۰۵ ● سال اول ● شماره ۲

و مشاوران خانواده قوه قضائیه صفحه ۲

سامانه شفافیت عملکرد
وکلا و کارشناسان رسمی
پاسخی هوشمندانه به برخی
چالش‌های ناشی از اجرای
قانون تسهیل است

نوشتاری از: دکتر حسن عبدلیان پور
رئیس مرکز وکلا، کارشناسان رسمی
و مشاوران خانواده قوه قضائیه



از نبرد حقوقی تا وداع با امام شهید

حضور حقوقدانان بین المللی در ایران

مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه در راستای فرمان امام شهید، لیبیک به رهبر معظم انقلاب اسلامی و توصیه‌های ریاست قوه قضائیه از سال گذشته مستندسازی مراکز آسیب دیده از جنگ ۱۲ روزه را با کارشناسی‌های رسمی آغاز و در جنگ تحمیلی سوم نیز علاوه بر مستندسازی با پوشش نبرد حقوقی به خواست مردم شریف ایران اسلامی در خونخواهی از امام شهید، اخذ وکالت از هموطنان را آغاز تا با طرح دعوی در مجامع بین المللی خواسته رهبر معظم انقلاب و مردم ایران در خونخواهی از امام شهید اجرایی گردد. (گزارش تکمیلی در شماره بعد)

آفتاب حقوقی: به همت مرکز وکلای قوه قضائیه جمعی از حقوقدانان بین المللی جهت وداع با امام شهید وارد کشور می‌شوند. حقوقدانان عرصه بین‌المللی در مدت حضور در کشورمان با برنامه ریزی و هماهنگی مرکز وکلای قوه قضائیه با دکتر حسن عبدلیان پور ریاست مرکز وکلا، معاونین و جمعی از وکلای برجسته حوزه امور بین المللی کشور و برخی مقامات قضایی، اجرایی و تقنینی دیدار و برنامه های دیگر حقوقدانان بین المللی در مدت حضور در کشورمان بازدید از مراکز غیرنظامی آسیب دیده در جنگ رمضان و جنگ ۱۲ روزه خواهد بود.

سفته و نکته کلیدی آن

دکتر حاج محمود عطار:
دکترای تخصصی حقوق کیفری و
جرم‌شناسی
مدرس دانشگاه و مشاور حقوقی



فصل دوم تا چهارم باب چهارم قانون تجارت به موضوعاتی همچون فته طلب (سفته)، چک و مرور زمان پرداخته است.

سفته چیست؟ منطبق با ماده ۳۰۷ قانون تجارت، سفته سندی است که به موجب آن صادر کننده تعهد می‌کند که مبلغی وجه نقد را در موعدی که در متن سفته تعیین می‌شود در وجه حامل یا به شخص معینی که نامش به عنوان دارنده سفته درج شده پرداخت کند. ذکر این نکته حائز اهمیت است که سفته یک دستور پرداخت نیست (برخلاف چک و برات) بلکه شخص صادر کننده (ضامن / ضامنین) تعهد پرداخت را برعهده گرفته‌اند. توضیحا این نکته را باید اضافه کرد که در خصوص برات و چک، در وهله اول و به طور مستقیم این دو متضمن دستور پرداخت هستند و به طور غیرمستقیم متضمن تعهد پرداخت به عبارت دیگر صادرکننده برات و چک به محال علیه دستور پرداخت می‌دهد اما اگر پرداخت صورت نگیرد خود صادرکننده متعهد به پرداخت است. در هنگام صدور سفته باید دقت شود که تاریخ صدور و مبلغ و تاریخ تادیه وجه و نام و نشانی فرد صادر کننده در متن سفته قید شده باشد و البته تاریخ و مبلغ به حروف نیز درج شود و سفته دارای امضا ویا (مهر صادرکننده) باشد (هر چند در قانون از این بابت ضمانت اجرایی صادر نشده است) لیکن عرف تجاری و رویه دادگاه‌ها به این موارد نیز توجه دارند، همچنین

یادمان باشد که سفته می‌تواند در وجه حامل نیز صادر شده باشد.

از جمله مواردی که باید به آن دقت داشت، این است که بر اساس ماده ۱۲۹۳ قانون مدنی، امضا و یا مهر یک سند تجاری از شروط اولیه و ابتدایی صحت یک سند تجاری است، لیکن با مقایسه این ماده و ماده ۲۲۶ قانون تجارت، می‌توان نتیجه گرفت که اگر سفته‌ها هم بدون امضا و یا مهر باشند، سفته‌ی تجاری محسوب نمی‌شوند لیکن سند الزام آور مدنی تلقی خواهند شد، و باید این مهم را در نظر داشت که چنانچه شکل ظاهری سفته رعایت شده باشد (مثلا در فرمهای چاپی باشد) این مصداق را تداعی می‌کند که صادر کننده به دارنده وکالت داده تا خودش آن را تکمیل نماید و چنین سفته‌ای تابع احکام قانون تجارت خواهد بود. حال باید به وظایف دارنده سفته بپردازیم که بر اساس ماده ۲۷۴ قانون تجارت چنانچه سفته عندالمطالبه باشد دارنده سفته باید نهایتاً ظرف یک سال از تاریخ صدور پرداخت آن را مطالبه کند مگر آنکه بر اساس ماده ۲۷۵ و ۲۷۶ قانون تجارت مدت کمتر یا بیشتری در این خصوص در سفته درج شده باشد و یا بین دارنده سفته و ایادی ماقبل به مدت کمتر یا بیشتری توافق صورت گرفته باشد. بر اساس ماده ۲۷۹ قانون تجارت دارنده سفته باید روز وعده، وجه سفته را مطالبه کند هر چند بهتر آن است که بر اساس ماده ۲۸۴ قانون تجارت اعتراض عدم تأدیه در ظرف ده روز از وعده صورت گیرد و لازم نیست در همان روز وعده به عمل آید، مطالبه وجه سفته نیز کافی است که ظرف ده روز از وعده آن صورت گیرد و لازم نیست که در همان روز وعده صورت گیرد در این خصوص باید توجه داشت که مطالبه وجه سفته و عدم پرداخت مبلغ به وسیله اعتراض عدم تأدیه مشخص می‌شود.

ادامه در صفحه ۲



باید درخواست وکالت امام شهید برای خونخواهی در نبرد حقوقی

NABARDEHOGHOOGHI.23055.IR



مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه

در صورت صدور گواهی عدم پرداخت چک به علت عدم انطباق امضاء، صدور اجراییه قانوناً میسر نمی‌باشد. در پرونده‌های مربوط به چک، چنانچه به علت عدم انطباق امضاء، گواهی عدم پرداخت چک صادر شده باشد، صدور اجراییه قانوناً میسر نمی‌باشد. استعلام: چنانچه در گواهی‌نامه عدم پرداخت، بانک گواهی کند امضاء چک با نمونه امضاء صادر کننده مطابقت ندارد، آیا می‌توان اجراییه موضوع ماده ۲۳ قانون صدور چک (اصلاحی ۱۳۹۷) را صادر کرد؟ نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه: برابر ذیل ماده ۲ قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی «اجرای ثبت در صورتی دستور اجرا صادر می‌کند که مطابقت امضاء چک با نمونه امضاء صادر کننده در بانک از طرف بانک گواهی شده باشد» **ادامه در صفحه بعد**



سامانه شفافیت عملکرد و کارشناسان رسمی پاسخی هوشمندانه

به برخی چالش‌های ناشی از اجرای قانون تسهیل است

حرفه‌ای و ایجاد بستر مناسب برای ثبت و پیگیری شکایات، به تقویت نظارت، افزایش پاسخگویی و ارتقای کیفیت خدمات کمک می‌کند و می‌تواند بخشی از دغدغه‌های موجود درباره آثار توسعه کمی این حرفه را مدیریت نماید.

شفافیت و استقلال حرفه‌ای؛ دو اصل مکمل

در خصوص این سامانه، دیدگاه‌ها و دغدغه‌هایی نیز از سوی برخی حقوقدانان و فعالان حرفه‌ای مطرح شده است که بخشی از آنها ناظر بر حفظ استقلال حرفه‌ای و کالت و کارشناسی رسمی است. این دغدغه‌ها قابل احترام و شایسته توجه است.

با این حال، باید توجه داشت که شفافیت و پاسخگویی با استقلال حرفه‌ای تعارضی ندارند. استقلال و کیل و کارشناس رسمی از اصول بنیادین دادرسی عادلانه و تضمین کننده حقوق شهروندان است و باید همواره مورد صیانت قرار گیرد. در عین حال، اطلاع‌رسانی صحیح، دسترسی مردم به اطلاعات و ایجاد سازوکارهای قانونی برای پاسخگویی نیز از الزامات حکمرانی مطلوب و ارائه خدمات حرفه‌ای در عصر حاضر محسوب می‌شود. بر این اساس، آنچه اهمیت دارد اجرای دقیق، متوازن و قانونمند سامانه در چارچوب قوانین و مقررات و با رعایت کامل جایگاه و استقلال حرفه‌ای و کلا و کارشناسان رسمی است، رویکردی که می‌تواند همزمان حقوق مردم، اقتضائات حرفه‌ای و اهداف قانونگذار را تأمین کند. از این رو سامانه شفافیت عملکرد و کلا و کارشناسان رسمی را باید یکی از گام‌های مهم قوه قضائیه در مسیر تحقق شفافیت، ارتقای کیفیت خدمات، حمایت از حقوق مردم و افزایش اعتماد عمومی دانست. این سامانه در صورت اجرای صحیح و متوازن، می‌تواند ضمن تقویت پاسخگویی و بهبود فرآیندهای نظارتی، به ارتقای جایگاه حرفه‌ای و کلا و کارشناسان رسمی نیز یاری رساند و زمینه ارائه خدماتی کارآمدتر، دقیق‌تر و منطبق با انتظارات جامعه را فراهم آورد.

امکان شکل‌گیری روابط حرفه‌ای موفق‌تر و اعتماد متقابل میان مردم و ارائه‌دهندگان خدمات حقوقی و کارشناسی نیز افزایش خواهد یافت.

ارتقای کیفیت خدمات و کالتی و کارشناسی

بی‌تردید مهم‌ترین سرمایه نهاد و کالت و کارشناسی رسمی، اعتماد عمومی است و این اعتماد بیش از هر چیز بر کیفیت خدمات ارائه شده استوار است. سامانه شفافیت عملکرد و کلا و کارشناسان رسمی می‌تواند به عنوان ابزاری مؤثر برای ارتقای کیفیت خدمات حرفه‌ای عمل کند. ثبت و انعکاس اطلاعات حرفه‌ای، سوابق فعالیت و فرآیند رسیدگی به شکایات، موجب تقویت مسئولیت‌پذیری، دقت حرفه‌ای و اهتمام بیشتر به رعایت استانداردهای تخصصی خواهد شد. در نتیجه، این سامانه نه تنها به نفع مردم، بلکه در نهایت به نفع جامعه و کالت و کارشناسی رسمی نیز خواهد بود؛ زیرا موجب تقویت اعتماد عمومی و ارتقای جایگاه حرفه‌ای فعالان متعهد و توانمند این حوزه‌ها می‌شود.

سامانه شفافیت؛ پاسخی منطقی به بخشی از چالش‌های ناشی از قانون تسهیل

قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار، در سال‌های اخیر تغییرات قابل توجهی در فرآیند ورود به حرفه و کالت و کارشناسی رسمی ایجاد کرده است. فارغ از دیدگاه‌های موافق و مخالف نسبت به این قانون، واقعیت آن است که اجرای آن موجب افزایش قابل توجه تعداد پذیرفته‌شدگان و توسعه کمی این حرفه‌ها شده است.

چنین تحولاتی به طور طبیعی ضرورت تقویت سازوکارهای ارزیابی عملکرد، تضمین کیفیت خدمات و افزایش شفافیت را بیش از گذشته مطرح می‌کند. در این چارچوب، سامانه شفافیت عملکرد و کلا و کارشناسان رسمی را می‌توان بخشی از پاسخ منطقی و قانونی به نیازهای جدید این حوزه دانست. این سامانه با فراهم کردن امکان دسترسی به اطلاعات



دکتر حسن عبدلیان پور
رئیس مرکز و کلا، کارشناسان رسمی
و مشاوران خانواده قوه قضائیه

سامانه شفافیت عملکرد و کلا و کارشناسان رسمی دادگستری، که در اجرای تکالیف مقرر در قانون برنامه هفتم پیشرفت و در بستر سامانه شفافیت قوه قضائیه طراحی و راه‌اندازی شده است، می‌تواند نقش مؤثری در افزایش اعتماد عمومی، بهبود کیفیت خدمات حقوقی و کارشناسی و حمایت از حقوق شهروندان ایفا کند. امروزه شفافیت، یکی از ارکان حکمرانی مطلوب و از مهم‌ترین ابزارهای ارتقای کارآمدی نهادهای عمومی و حرفه‌ای است. جامعه نیز به درستی انتظار دارد در حوزه خدمات تخصصی و اثرگذار بر حقوق و سرنوشت افراد، اطلاعات لازم برای تصمیم‌گیری آگاهانه در اختیار شهروندان قرار گیرد. در همین چارچوب، راه‌اندازی سامانه شفافیت عملکرد و کلا و کارشناسان رسمی را باید اقدامی مهم در جهت تحقق این مطالبه عمومی و اجرای تکالیف قانونی قوه قضائیه ارزیابی کرد.

حق مردم برای آگاهی و انتخاب آگاهانه

یکی از مهم‌ترین کارکردهای این سامانه، تضمین حق مردم برای دسترسی به اطلاعات و انتخاب آگاهانه است. اشخاصی که برای پیگیری حقوق خود به وکیل یا کارشناس رسمی مراجعه می‌کنند، حق دارند پیش از انتخاب، از سوابق حرفه‌ای، حوزه‌های فعالیت، میزان تجربه، وضعیت پرونده‌ها و سوابق انتظامی مرتبط با ارائه‌دهندگان این خدمات آگاهی داشته باشند.

دسترسی به اطلاعات معتبر و مستند، علاوه بر افزایش اطمینان شهروندان، موجب کاهش اختلافات و ارتقای سطح رضایتمندی عمومی خواهد شد.

هر اندازه انتخاب افراد بر پایه اطلاعات دقیق‌تر صورت گیرد،

بهره‌گیری از ظرفیت

دانش حقوق



اسماعیل آقابابائی بنی

در هر نظام حقوقی، موفقیت در مدیریت پرونده‌های پیچیده و چالش‌های بین‌المللی، نیازمند وجود نیروهای متخصص و دارای مهارت‌های حرفه‌ای است.

در سال‌های اخیر، اهمیت «جنگ حقوقی» یا همان رویارویی حقوقی میان کشورها، بیش از گذشته نمایان شده و نشان می‌دهد که برخورداری از کارشناسان و حقوقدانان توانمند یک ضرورت ملی است.

با این حال، وضعیت آموزش حقوق در ایران با چالش‌هایی روبه‌رو است. در بسیاری از موارد:
- تربیت دانشجوی حقوق به اندازه کافی جدی گرفته نمی‌شود،

سفته و نکته کلیدی آن

ادامه از صفحه اول:

بنابراین نیازی نیست که دارنده سفته قبل از اعتراض عدم تأدیه به موجب اظهارنامه یا هر ابزار دیگری وجه سفته را مطالبه کرده باشد. بر اساس ماده ۲۸۰ قانون تجارت، دارنده سفته باید ظرف ده روز از تاریخ وعده اعتراض عدم تأدیه کرده باشد. همچنین طبق ماده ۲۸۱ این قانون اگر روز دهم تعطیل باشد، دارنده در اولین روز غیر تعطیل بعد از آن می‌تواند اعتراض عدم تأدیه را به عمل آورد.

بر اساس ماده ۲۸۲ قانون تجارت، فوت صادرکننده سفته یا ورشکستگی او، دارنده سفته را از اعتراض عدم تأدیه بی‌نیاز نمی‌کند. لازم به ذکر است در سفته بر خلاف برات درج مکان تأدیه الزامی نیست و جزو مندرجات اختیاری است. اگر در سفته مکان تأدیه درج شده باشد باید در همان مکانی به صادرکننده سفته ارائه و از او مطالبه شود که به‌عنوان مکان تأدیه بر روی آن درج شده است. در غیر این صورت باید اقامتگاه حقیقی صادرکننده سفته را ملاک قرار دهیم و برای مطالبه وجه و عند الزوم اعتراض عدم تأدیه به آنجا مراجعه کنیم.

- اخذ مدرک حقوقی گاه به‌سادگی و بدون ارزیابی کیفی انجام می‌شود،

- مشاوره‌های حقوقی در برخی سطوح تصمیم‌گیری به‌طور کامل به کار گرفته نمی‌شود،

- و توجه کافی به تخصص‌محوری در انتصاب‌های حقوقی وجود ندارد.

برای حضور مؤثر در حوزه‌های حقوق بین‌الملل، داوری‌ها، قراردادهای، اختلافات فرامرزی و تعامل با نهادهای بین‌المللی، لازم است همانند سایر رشته‌های مهم، سازوکار شناسایی و پرورش حقوقدانان برجسته شکل گیرد؛ چه در داخل کشور و چه در میان متخصصان ایرانی خارج از کشور.

از آنجا که مباحث حقوقی دارای زبان، ادبیات و استانداردهای بین‌المللی خاص هستند، لازم است که:

- مشورت‌های حقوقی تخصصی جدی گرفته شود،

- اسناد لازم برای دفاع از مواضع کشور به‌طور صحیح مستندسازی شود،

- توان پیش‌بینی ادعاهای احتمالی تقویت گردد،

- و از ابزارهای حقوقی و نهادهای بین‌المللی به‌صورت حرفه‌ای استفاده شود.

تقویت سرمایه‌انسانی حقوقی و بهره‌گیری از دانش متخصصان، شرط اساسی برای موفقیت در هر نوع مواجهه حقوقی است و باید به‌عنوان یک برنامه بلندمدت دنبال شود.

و همچنین وفق ماده ۱۸۸ آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجراء و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرایی مصوب ۱۳۸۷ با اصلاحات بعدی: «اگر عدم پرداخت وجه چک به علت عدم مطابقت امضای زیر چک با امضای کسی که حق صدور چک را دارد و همچنین فقدان مهر در اشخاص حقوقی باشد در اداره ثبت اجراییه صادر نخواهد شد.» بنا بر مراتب فوق و با الغای خصوصیت از مرجع صادر کننده اجراییه، در فرض سؤال که به علت عدم انطباق امضاء گواهی عدم پرداخت چک صادر شده است، صدور اجراییه موضوع ماده ۲۳ قانون صدور چک (اصلاحی ۱۳۹۷) قانوناً میسر نمی‌باشد.

آفتاب حقوقی

مدیرمسئول: منصور مظفری (وکیل پایه یک دادگستری و مشاور حقوقی)

همراه با حقوقدانان (وکلا، کارشناسان رسمی، اساتید و کارآموزان وکالت) در آفتاب حقوقی

مشاوره‌های حقوقی در سراسر کشور

(کیفری - حقوقی)



املاک - خانواده - ثبت - جرائم مطبوعاتی - امور گمرکی - موادمخدر - بورس و اوراق بهادار - رمز ارز - کلاهبرداری - امور مالیاتی - تصادفات - ضرب و جرح - تهدید - قتل - جعل - نشر اکاذیب - جرائم پزشکی - جرائم اقتصادی - جرائم رایانه‌ای - ورود به عتق - تصرف عدوانی - مزاحمت - ممانعت از حق - مشارکت در ساخت - جرائم سازمان یافته - آدم ربایی - سرقت - جعل عنوان - چک - توقیف غیرقانونی - دیه - تحصیل مال از طریق نامشروع - تعزیرات - کمیسیون ماده ۱۰۰ - منابع طبیعی - محیط زیست - خیانت در امانت - قراردادهای و ...

آفتاب حقوقی از وکلا، کارشناسان رسمی، کارآموزان وکالت، اساتید و دانشجویان حقوق در سراسر کشور جهت ارائه محتوای حقوقی، نقد آرای قضایی و مشاوره حقوقی دعوت به همکاری می‌نماید

جهت ارتباط و ارائه مشاوره حقوقی و رسانه‌ای از طریق زیر با ما در تماس باشید

تلفن: ۰۹۱۲۲۹۹۱۷۹۶ و ۰۲۱ - ۸۸۳۲۲۱۶۰ - ۱، بله، روبیکا، واتساپ و تلگرام: ۰۹۱۲۲۹۹۱۷۹۶

Aftab.yz@gmail.com Mozafari.lawyer1970@gmail.com

تهران، خیابان شهید مطهری، ابتدای قائم مقام فراهانی، کوچه ۲۶، پلاک ۱۰، طبقه اول، واحد ۱

دفتر یزد: بلوار ۲۲ بهمن - ابتدای کوچه اعظم (نماینده: ابوالفضل انتشاری) ۰۹۱۳۱۵۱۵۲۱۰

- صاحب امتیاز و مدیرمسئول: منصور مظفری / وکیل پایه یک دادگستری
- آدرس: تهران – خیابان شهید مطهری – ابتدای قائم مقام فراهانی، کوچه ۲۶، پلاک ۱۰
- یزد – بلوار ۲۲ بهمن – ابتدای کوچه اعظم ۰۹۱۲۸۴۳۷۰۱۸
- تلفن: ۰۹۱۲۲۹۹۱۷۹۶ – ۰۹۱۳۱۵۱۵۲۱۰ – ۸۸۳۲۸۷۴۳ ایمیل: aftab.yz@gmail.com
- چاپ: صمیم تلفن ۴۴۵۸۲۸۱۴

تضمین صیانت از حقوق شهروندان



دکتر مصطفی عباسی
وکیل پایه یک دادگستری
استاد دانشگاه

در فرهنگ عمومی جامعه هنوز این تصور وجود دارد که مراجعه به وکیل، اقدامی هزینه‌زا و گاه غیرضروری است و افراد می‌توانند شخصاً از حقوق خود دفاع کنند. این نگرش، هر چند ممکن است در نگاه نخست ناشی از ملاحظات اقتصادی باشد، اما در عمل، یکی از مهم‌ترین عوامل تضییع حقوق اشخاص و افزایش دعاوی بی‌نتیجه در محاکم محسوب می‌شود. حقوق، دانشی تخصصی است. همان‌گونه که هیچ فردی بدون دانش پزشکی قادر به تشخیص و درمان بیماری نیست، انتظار نمی‌رود اشخاص فاقد دانش حقوقی بتوانند آثار قانونی قراردادها، تشریفات آیین دادرسی، قواعد اثبات دعوا، مواعد قانونی، ایرادات شکلی و دفاعیات تخصصی را به درستی تشخیص دهند. در بسیاری از پرونده‌ها، اشخاص از لحاظ ماهوی صاحب حق هستند، اما به دلیل طرح نادرست دعوا، انتخاب خواسته نامناسب، ارائه ناقص ادله، استناد به مواد قانونی غیرمرتبط یا عدم رعایت مواعد قانونی، از دستیابی به حق خود بازمی‌مانند.

در نظام‌های حقوقی معاصر، توسعه عدالت صرفاً با تصویب قوانین محقق نمی‌شود، بلکه تحقق عدالت مستلزم آن است که اشخاص بتوانند از حقوق خود به نحو صحیح دفاع کنند. حق، زمانی ارزش عملی می‌یابد که امکان استیفای آن وجود داشته باشد و استیفای حق نیز بدون شناخت قواعد حقوقی، آیین دادرسی و شیوه‌های اثبات دعوا، غالباً با دشواری‌های فراوان همراه است. از همین رو، نهاد وکالت در تمامی نظام‌های حقوقی پیشرفته، نه به عنوان یک حرفه صرف، بلکه به عنوان یکی از ارکان دادرسی عادلانه و

مسئولیت ورثه در قبال دیون متوفی؛

آیا اعمال ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی در همه فروض نسبت به ورثه امکان‌پذیر است؟

میثم سلمانی‌پور

اجرای احکام مالی پس از فوت محکوم‌علیه، یکی از مسائل اختلافی و در عین حال کاربردی حقوق اجرای احکام است. در عمل، پس از فوت بدهکار، این پرسش مطرح می‌شود که ورثه تا چه میزان مسئول پرداخت دیون متوفی هستند و آیا در صورت خودداری از پرداخت، می‌توان ضمانت اجرای مقرر در ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی را نسبت به آنان اعمال کرد؟

بخش عمده‌ای از مباحث موجود، مستقیماً از ماده ۳ آغاز می‌شود؛ گویی صرف وجود یک دین پرداخت‌نشده، بحث را به سمت امکان یا عدم امکان بازداشت ورثه سوق می‌دهد. حال آنکه به نظر می‌رسد این شیوه طرح مسئله، از نظر منطقی و حقوقی کامل نیست. پیش از بررسی ضمانت اجرا، باید منشأ مسئولیت ورثه مشخص شود؛ زیرا تا زمانی که حدود مسئولیت آنان روشن نباشد، بحث از اعمال ضمانت اجرا فاقد مبنای کافی خواهد بود.

از همین رو، این نوشتار ابتدا مبنای مسئولیت ورثه و تفاوت میان مسئولیت ترکه‌ای و مسئولیت شخصی را بررسی می‌کند و سپس به این پرسش می‌پردازد که آیا در هر یک از فروض، امکان اعمال ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی وجود دارد یا خیر.

۱. منشأ مسئولیت ورثه در قبال دیون متوفی

اصل آن است که دیون هر شخص بر عهده خود اوست و با فوت وی، شخصیت حقوقی او پایان می‌یابد. با این حال، فوت بدهکار موجب از بین رفتن حقوق طلبکاران نمی‌شود. به همین دلیل، قانون برای حفظ حقوق بستانکاران، ترکه متوفی را محل استیفای دیون قرار داده است. بنابراین، ورثه اصولاً جانشین مالی متوفی در اداره و تعیین تکلیف ترکه هستند، نه اینکه لزوماً بدهکار شخصی طلبکاران متوفی شوند. به همین دلیل، بررسی مسئولیت آنان نیازمند تفکیک میان «تعهد ناشی از ترکه» و «مسئولیت شخصی» است.

۲. تفاوت مسئول پرداخت و محکوم‌علیه

یکی از نکات اساسی در این بحث، تفاوت میان «مسئول پرداخت» و «محکوم‌علیه» است. ممکن است شخصی به موجب قانون مکلف به پرداخت مالی باشد، اما این امر الزاماً به معنای آن نیست که وی محکوم‌علیه موضوع ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های

مالی محسوب شود. ماده ۳، ضمانت اجرای حبس را متوجه محکوم‌علیهی کرده است که از اجرای حکم مالی خودداری می‌کند. بنابراین، صرف وجود یک مسئولیت مالی، بدون احراز شرایط قانونی، برای اعمال این ضمانت اجرا کافی نیست. در مورد ورثه نیز باید میان دو وضعیت تفاوت گذاشت: نخست، مسئولیتی که قانون در حدود ترکه بر عهده آنان قرار می‌دهد؛ و دوم، محکومیتی که ممکن است موجب آثار ماده ۳ شود.

۳. فرض نخست: عدم قبول ترکه

اگر ورثه ترکه را نپذیرفته باشند، اصولاً مسئولیتی فراتر از حدود ترکه متوجه آنان نیست. در این وضعیت، طلبکار باید حقوق خود را از محل ترکه و مطابق تشریفات مقرر قانونی پیگیری کند. در چنین فرضی، اطلاق عنوان محکوم‌علیه نسبت به ورثه محل تأمل است؛ زیرا آنان تعهد شخصی نسبت به پرداخت دین متوفی نپذیرفته‌اند. البته ممکن است طلبکار با ارائه دلیل مثبت دین، مانند رسید یا چک، دعوای خود را علیه ورثه مطرح کند و دادگاه نیز آنان را طرف حکم قرار دهد. در این حالت، صرف صدور حکم علیه ورثه، به معنای تبدیل دین متوفی به دین شخصی آنان نیست؛ بلکه باید منشأ این محکومیت و حدود مسئولیت آنان بررسی شود.

۴. فرض دوم: قبول ترکه با تحریر

در قبول ترکه با تحریر، حدود مسئولیت ورثه مشخص‌تر است و آنان در چارچوب ترکه پاسخگوی دیون متوفی هستند. ممکن است طلبکار متوفی با استناد به مدارک مثبت طلب، علیه ورثه طرح دعوا کند و دادگاه آنان را به پرداخت محکوم نماید. در این وضعیت، ورثه از حیث شکلی و اجرایی محکوم‌علیه محسوب می‌شوند؛ زیرا حکم علیه آنان صادر شده و عملیات اجرایی نیز علیه آنان جریان می‌یابد. با این حال، منشأ این محکومیت لزوماً تعهد شخصی آنان نیست، بلکه ناشی از قائم‌مقامی مالی نسبت به متوفی و مسئولیت در حدود ترکه است. بنابراین، اعمال ماده ۳ نیازمند بررسی دقیق است. اگر ترکه موجود باشد و وارث با وجود دسترسی به اموال ترکه از پرداخت محکوم‌به یا معرفی اموال خودداری کند، می‌توان موضوع را از جهت امتناع از اجرای حکم بررسی کرد. اما اگر ترکه‌ای وجود نداشته باشد یا اموال باقی‌مانده برای پرداخت کافی نباشد، صرف محکومیت وارث نمی‌تواند دلیل کافی برای مسئولیت شخصی و اعمال ضمانت اجرای ماده ۳ باشد؛ زیرا عدم پرداخت در این حالت ناشی از فقدان محل پرداخت است، نه امتناع شخصی وارث از پرداخت دین خود.

۵. فرض سوم: قبول مطلق ترکه

قبول مطلق ترکه، پیچیده‌ترین وضعیت را ایجاد می‌کند؛ زیرا وارث

یکی دیگر از برداشت‌های نادرست، نگاه به حق الوکاله به عنوان هزینه‌ای غیرضروری است. این در حالی است که حق الوکاله، بهای تخصص، تجربه، مسئولیت حرفه‌ای و زمانی است که وکیل برای صیانت از حقوق موکل صرف می‌کند. همان‌گونه که مراجعه به پزشک متخصص، مهندس یا حسابرس هزینه محسوب نمی‌شود، بلکه سرمایه‌گذاری برای جلوگیری از خسارت‌های بزرگ‌تر است، استفاده از خدمات وکیل نیز باید از همین منظر مورد ارزیابی قرار گیرد. در بسیاری از پرونده‌ها، خسارت ناشی از یک تصمیم حقوقی اشتباه، ده‌ها برابر حق الوکاله‌ای است که می‌توانست از وقوع آن جلوگیری کند.

البته باید بر این نکته نیز تأکید کرد که حضور وکیل، تضمین‌کننده پیروزی در دعوا نیست؛ زیرا نتیجه هر پرونده تابع ادله، مستندات، قوانین حاکم و تشخیص مرجع قضایی است. آنچه وکیل تضمین می‌کند، دفاع تخصصی، استفاده صحیح از ظرفیت‌های قانونی، رعایت تشریفات دادرسی و جلوگیری از تضییع حقوق ناشی از اشتباهات شکلی و ماهوی است. تفاوتی بنیادین میان «تضمین نتیجه» و «تضمین دفاع حرفه‌ای» وجود دارد و رسالت وکیل در چهارچوب قانون، تحقق دومی است.

در نهایت، باید پذیرفت که هزینه واقعی، حق الوکاله نیست؛ بلکه هزینه واقعی، از دست رفتن حقی است که می‌توانست با یک مشاوره به‌موقع یا دفاعی تخصصی حفظ شود. جامعه‌ای که مراجعه به وکیل را به عنوان یک فرهنگ حقوقی بپذیرد، نه تنها از افزایش دعاوی بی‌اساس و اختلافات قابل پیشگیری جلوگیری خواهد کرد، بلکه گامی مؤثر در جهت تحقق امنیت حقوقی، کاهش اطاله دادرسی و استقرار عدالت خواهد داشت.

بنابراین، مراجعه به وکیل نباید به آخرین راه‌حل پس از بروز بحران تبدیل شود؛ بلکه باید نخستین اقدام هر شهروند آگاه پیش از اتخاذ تصمیمات مهم حقوقی باشد. سرمایه‌گذاری بر دانش حقوقی و بهره‌گیری از خدمات وکیل، سرمایه‌گذاری بر امنیت، آرامش، حفظ و صیانت از حقوقی است که قانون برای هر شهروند به رسمیت شناخته است.

بدون تعیین دقیق وضعیت دارایی‌ها و بدهی‌های متوفی، ترکه را می‌پذیرد. در این فرض، مسئولیت وارث نسبت به دیون متوفی گسترده‌تر می‌شود، اما همچنان باید میان گسترش مسئولیت مالی و ایجاد مسئولیت شخصی مستقل تفاوت گذاشت.

در این حالت دو وضعیت قابل تصور است:

نخست، زمانی که متوفی پیش از فوت محکوم‌علیه بوده و ورثه در مرحله اجرا جانشین او می‌شوند. در این وضعیت، ورود ورثه به فرایند اجرا ناشی از قائم‌مقامی مالی است و صرف این امر به تنهایی برای اعمال ماده ۳ کافی نیست.

دوم، زمانی که طلبکار پس از فوت متوفی علیه ورثه طرح دعوا کرده و آنان به موجب حکم دادگاه محکوم می‌شوند. در این وضعیت، ورثه از حیث شکلی محکوم‌علیه هستند؛ اما باید بررسی شود که آیا محکومیت آنان ناشی از تعهد شخصی است یا ناشی از مسئولیت قانونی نسبت به ترکه.

بنابراین، حتی در فرض قبول مطلق ترکه نیز نمی‌توان یک حکم کلی صادر کرد. وجود مال از ترکه و امتناع وارث از اجرای حکم می‌تواند زمینه بررسی ماده ۳ را فراهم کند، اما فقدان ترکه یا عدم امکان استیفای طلب، لزوماً موجب مسئولیت شخصی وارث نخواهد بود.

نتیجه‌گیری

پرسش اصلی در این بحث نباید صرفاً این باشد که «آیا ورثه را می‌توان بازداشت کرد؟» بلکه باید ابتدا مشخص شود که «ورثه در چه وضعیتی مسئول پرداخت دیون متوفی هستند و منشأ این مسئولیت چیست؟» بررسی فروض مختلف نشان می‌دهد که وضعیت ورثه یکسان نیست. در برخی موارد، آنان صرفاً مسئول اجرای تکالیف مربوط به ترکه هستند و در برخی موارد ممکن است در جایگاه محکوم‌علیه قرار گیرند.

بنابراین، صرف صدور حکم علیه ورثه یا وجود یک مسئولیت مالی، به تنهایی برای اعمال ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی کافی نیست. اعمال این ضمانت اجرا نیازمند احراز شرایط قانونی، بررسی منشأ محکومیت و تعیین این موضوع است که آیا وارث از اجرای حکم امتناع کرده یا اساساً امکان پرداخت وجود نداشته است. راه‌حل صحیح، ارائه یک پاسخ واحد برای همه فروض نیست؛ بلکه تفکیک دقیق میان وضعیت‌های مختلف حقوقی ورثه است. تنها از طریق این تفکیک می‌توان میان حقوق طلبکاران، قواعد مربوط به ترکه و اصل تفسیر مضیق مقررات محدودکننده آزادی اشخاص تعادل برقرار کرد.